

بررسی تطبیقی برسم در آثار دینی زرتشتی و نگاره‌های باستانی ایران

علی اصغر میرزایی* - محمد میرزایی رشنو**

چکیده

نمادها و عناصر دینی بخش جدایی‌ناپذیر و مقدس دین هستند که گاه نقش مرکزی در مراسم دینی دارند و ضمن اینکه نمادی از ایزد پرستش شده‌اند، حلقه پیوند نمادهای دیگر نیز هستند. برسم در زمره نمادها و عناصر دینی مقدسی است که در متون دینی و تاریخی و در نگاره‌های باستانی، حضوری پررنگ دارد و این موضوع به ما کمک می‌کند با بررسی تطبیقی متون و نگاره‌ها، به این مسئله بپردازیم که برسم چه تطور و تحولی را در تاریخ ایران باستان سپری کرد. براساس متون زرتشتی، برسم، دسته یا شاخه‌ای از گیاه یا درخت مقدس هوم یا انار بود که با اندازه و شمار مشخص، دینمرد زرتشتی در مراسم دینی و به قصد نیایش آفریدگار و ایزدانی که هستی انسانی و جانوری را ممکن ساختند، به کار می‌برد. گیاه برسم نماینده حضور عنصر اهورایی گیاهان و ایزد اثرات در مراسم دینی و ابزاری برای برپایی جشن آفرینش گیاه بود. نگاره‌های باستانی نیز گواهی متون زرتشتی درباره کاربرد برسم در مراسم دینی را تأیید می‌کنند. اشیاء و نگاره‌های باستانی، از مفرغ‌های لرستان تا سنگ‌نگاره‌های دوران ساسانی، که بیشتر به مکان‌های دینی تعلق دارند، بر اهمیت دینی این عنصر مقدس در آیین‌های ایرانی تأکید دارند. گویا این شاخه مقدس، در تحول و تطور خود از مفرغ‌های لرستان تا سنگ‌نگاره‌های ساسانی، از باورهای زرتشتی تأثیر گرفته است و در آخرین مراحل تحول خود، متأثر از سیاست‌های دینی و ایدئولوژی پادشاهی ساسانی، به نماد قدرت سیاسی و دینی/روحانی شاهان تبدیل شد. این نوشتار با رویکردی توصیفی تحلیلی و بر مبنای مطالعه تطبیقی متون دینی - تاریخی و بررسی نگاره‌ها و آثار باستانی به‌جامانده از ایران باستان نگاه شده است.

واژه‌های کلیدی

برسم، دین زرتشت، سنگ‌نگاره‌ها، نماد دینی، گیاه

amirzai@gmail.com

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه اراک، اراک، ایران (مسئول مکاتبات)

kasit_rashnoo@yahoo.com

** دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۳

Copyright © 2016, University of Isfahan. This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>), which permits others to download this work and share it with others as long as they credit it, but they cannot change it in any way or use it commercially.

مقدمه

مناسک و مراسم آیینی، همواره جزء جدایی‌ناپذیر ادیان باستانی بوده‌اند و تبلور و تجلی عینی، ملموس و مشهود باورهای دینی نیز به شمار می‌رفتند. رمز ماندگاری و تداوم بسیاری از ادیان، برگزاری و برپایی مناسک دینی است و برگزاری مناسک آیینی نیز به نوبه خود، بستگی تنگاتنگی با نمادها، عناصر و اشیاء مقدسی دارد که گاه گرانگاه و نقطه محوری برپایی مراسم هستند. عناصر و نمادهای مقدس، با توجه به نوع دین و آیین، متفاوت، متنوع و پرشمارند و هر دین یا آیینی با توجه به شرایط و مقتضیات جغرافیایی و اقلیمی، عناصر و نمادهایی را برای خود برگزیدند که بیشتر با پدیده‌های طبیعی مرتبطند و با توجه به سودمندی یا ناسودمندی آنها، باورهای دینی گوناگونی را درباره آنها پدید آورده‌اند. پدیده‌های طبیعی چون خورشید، آب، خاک، آتش، باران، کوه، سنگ، دریا، جانوران، پرندگان، درختان، گیاهان و اجرام آسمانی پس از اینکه در بسیاری از ادیان باستانی، ایزد یا ایزدبانو برگزیده شدند، در مراسم و مناسک آیینی نیز به صورت عنصر و نماد حضور یافتند تا برای جذب مومنان، پیروان و شرکت‌کنندگان، ملموس‌تر و عینی‌تر باشند. برخی نیز آنچنان ارتقا مقام یافتند که رنگ‌وبوی مفاهیم اجتماعی و اخلاقی یافتند. تردیدی نیست بسیاری از عناصر و نمادها نیز در میان آیین‌های اقوام و ملل گوناگون به دلایل مختلفی چون برخورداری از یک پیشینه و خویشاوندی مشترک، ارتباطات جغرافیایی، سیاسی و دینی مداوم مشترکند یا از یکدیگر وام گرفته‌اند. این ویژگی در آیین‌ها و ادیانی که به یک ملت یا نژاد تعلق دارند، پررنگ‌تر و ملموس‌تر است.

بیان مسئله

همچنان که گفته شد این نمادها و عناصر مشترک، متنوع و پرشمارند و در این نوشتار تلاش شده است تا با بهره‌گیری از متون دینی - تاریخی و نگاره‌های باستانی، به بررسی تطبیقی و تطور و تحول عنصر نمادین گیاه برسم در

کیش زرتشت و آیین‌های دیگر پرداخته شود. پرسش اصلی در این نوشتار این است که گیاه برسم چه فرایندی را تا تبدیل شدن به عنصر نمادین در کیش زرتشت پشت سر گذاشته است. بر مبنای این پرسش، فرضیه مطرح این است که پیشینه این گیاه یا دسته‌ای از گیاه آیینی را می‌توان براساس اشیاء و سنگ‌نگاره‌های موجود تا زمان مفرغ‌های لرستان، ردیابی و مرحله پایانی آن را در سنگ‌نگاره‌های ساسانی و مراسم دینی زرتشتیان مشاهده کرد.

پیشینه تحقیق

درباره ادیان باستانی ایران پژوهش‌های زیادی صورت گرفته است و افراد زیادی مثل خانم مری بویس (کتاب تاریخ کیش زردشت و کتاب زردشتیان باورها و آداب دینی آنها و ...)، آر. سی. زنر (کتاب زروان یا معمای زرتشتی‌گری)، ابراهیم پورداود (کتاب‌های یسنا، یشتها و ...) و ... در این زمینه کار کرده‌اند که در این بین اشاراتی نیز به برسم، عنصر مذهبی زردشتیان، داشته‌اند. مقاله برسم از کانگا در دانشنامه ایرانیکا نیز اختصاصاً به برسم پرداخته است؛ اما بیشتر بر جایگاه آن در دین زرتشت تأکید دارد تا بررسی سیر تحول و تطور آن در آثار و نگاره‌های ایران. با وجود اشاره برخی از پژوهشگران به برسم در آثار و نگاره‌های ایران، تا کنون پژوهش مستقلی با هدف بررسی تطور و تحول برسم در دین زرتشت و آثار و نگاره‌های ایران از مراحل آغازین تا پایان دوران ساسانی صورت نگرفته است.

اهمیت و ضرورت پژوهش

رواج و گستردگی دین زرتشت در میان ساکنان بخش‌های گسترده‌ای از قلمرو پادشاهی‌های ایران باستان، اهمیت و ضرورت بازشناسی جایگاه این دین در تاریخ ایران پیش از اسلام را دوچندان می‌کند. در دین زرتشت، بازنمایی اندیشه‌ها و تفکرات دینی به صورت اشکال مادی و نمادین در مناسک و عبادات آیینی و دینی، امری مرسوم و ابزاری شایان توجه برای ملموس‌تر کردن مناسک و آیین‌ها بود.

گونگون می‌چیدند. در یسنای ۵۷ بند ۵ اشاره شده که اندازه هر شاخه نباید از زانو بیشتر باشد. (یسنای، ۵۷، ۵) در نیرنگستان آمده که برسم باید خوب رشد کرده باشد در غیر این صورت دینمرد زرتشتی نمی‌تواند و اجازه ندارد که مراسم را برگزار نماید (Kotwal, Kreyenbroek, 2003, 38.5). به نظر می‌رسد اندازه این شاخه‌ها در درازا نُه اینچ و در پهنا یک هشتم اینچ بوده است؛ هرچند سنگ‌نگاره‌ها و تندیس‌های بازمانده این شاخه‌ها را بیش از یک یا دو پا نمایش می‌دهند (بویس، ۱۳۸۹: ۹۵، ۱۱۸، ۱۳۷؛ وندن برگ، ۱۳۷۹: ۲۴، لوح ۲۸). براساس نیرنگستان، شاخه‌های برسم باید صاف و بدون خمیدگی باشند (Kotwal, Kreyenbroek, 2003: 28.22) و کمترین شمار شاخه‌ها باید سه تا باشد و نازکی هر شاخه باید برابر با نازکی مو، درازی آن به اندازه یک «اُشه» و بیشترین پهنای آن به اندازه یک «یَو» باشد (Kotwal, Kreyenbroek, 2003: 28.22; Kanga, 1988: 825-82). وندیداد با اشاره به اینکه «مردان پاک باید در دست چپ برسم که به بلندی یک اش و به پهنای یک یو باشد، گرفته، نثار کنند و به اهوره مزدا و امشاسپندان نماز آورند» «اُشه» را به اندازه یک گاوآهن یا تیغه خیش گاوآهن و «یَو» را نیز به پهنای دانه جو گزارش کرده است (وندیداد، ۱۹، ۱۹: Kotwal, Kreyenbroek, 2003: 52.1). در آثار هنری بازمانده از دوران هخامنشی و ساسانی اندازه این شاخه‌ها حدود ۴۵ سانتیمتر به نمایش درآمده است (پوپ، ج ۷، لوحه ۱۶۰ الف؛ بویس، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵۶).

بستگی به نوع مراسمی که برگزار می‌شد شمار شاخه‌ها نیز متفاوت بود. در کتاب شایست ناشایست تنها گفته شده است که شمار شاخه‌ها نباید از چند شاخه کمتر یا بیشتر باشد؛ اما اشاره کرده است که سر برسم نباید به سوی باختر/ شمال قرار گیرد (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۲۱). در مراسم یسنا به ۲۳ شاخه نیاز بوده است که ۲۱ شاخه آنها را به صورت یک دسته در می‌آوردند و از دو شاخه باقیمانده یکی را روی ماهروی یا برسمدان قرار می‌دادند. ماهروی یا برسمدان ابزاری پایه‌دار بود که روی

با توجه به اهمیت دادن و تأکید دینمردان زرتشتی به برپایی مراسم و مناسک عبادی، به نظر می‌رسد باشناسی سیر تطور و تحول نمادها و عناصر مقدسی که به صورت نگاره بر سنگ‌نگاره‌ها، مهرها و دیگر اشیاء سنگی آمده‌اند، برای شناخت هرچه بهتر دین زرتشت ضروری است.

جایگاه و اهمیت برسم در دین زرتشت

برسم «barsom»، صورت ایرانی میانه واژه اوستایی برسمن «barasman» است که از ریشه «baraz» و «brh» سنسکریت گرفته شده و به معنای «رشد و نمو» است (دهخدا، ۱۳۷۷: واژه برسمن؛ Kanga, 1988, pp. 825-827). برسم، شاخه‌های گیاه هئومه/ هوم یا انار بودند که در مراسم دینی زرتشتیان استفاده می‌شدند و بخش مهمی از مراسم پرستش آنها را تشکیل می‌دادند (Ibid, P.825). بیشتر، دینمردان شاخه برسم را در مراسم دینی به کار می‌بردند و در برخی اوقات نیز در کنار پادشاهان در هنگام دریافت تاج یا دیهیم پادشاهی روی نقوش برجسته دیده شده است. این گیاه در ابتدا به صورت شاخه‌ای از درخت خرما، انار و ... روی نقوش باستانی ظاهر می‌شود؛ اما به تدریج تغییر شکل می‌دهد و به ترکیه‌هایی از این درختان تبدیل می‌شود که در برخی اوقات ارتفاع آن به یکی دو پا می‌رسید. امروزه زرتشتیان به جای شاخه‌های گیاه یا درخت، از سیم‌های برنجی یا نقره‌های بهره می‌برند و هر سیم را «تای» می‌نامند که در فارسی به آن تای و در پهلوی تاک گفته می‌شود. در متون اوستایی اشاره‌ای به اینکه این شاخه‌ها از چه درختی باید باشند، دیده نمی‌شود و یسنای ۲۵ فقره ۳ نیز به واژه «اورورَم برسمنیم» تنها در معنای گیاه اشاره کرده و در دیگر کتب پهلوی نیز تنها به این اشاره شده است که شاخه باید از درخت پاکیزه باشد (یسنای ۲۵ فقره ۳؛ پورداو، ۱۳۸۰: ۲۲۵)؛ اما در کتاب‌های بعدی آمده است که برسم باید از درخت انار چیده شود.

زرتشتیان این شاخه‌ها را با کارد ویژه‌ای به نام برسم‌چین و بسته به نوع مراسم، در اندازه‌ها و شمار

سه تای و پنج تای و هفت تای و نه تای تا به بلندی زانو و تا به وسط پاها گسترده است (یسنا، ۵۷، ۶-۵).

از این گواهی‌ها به خوبی پیداست که هدف اصلی در استفاده از برسم در وهله نخست، نیایش و ستایش به درگاه آفریدگار و ایزدانی بود که پشتیبانیشان درخواست می‌شد و برای نعمت‌هایی بود که هستی و زندگی انسانی و جانوری را ممکن می‌ساخت (یسنا، هات ۲، ۳، پورداد، ۱۳۸۰: ۱۲۶؛ فقیهی محدث، ۱۳۹۰: ۴۵۲؛ Kanga, 1988: 825-827). بر اساس همین است که زرتشت وقتی از اهوره‌مزدا می‌پرسد چگونه او را نیایش کند، اهوره‌مزدا پاسخ می‌دهد «به سوی درختانی که در رشد و نمو هستند، پیش رو. به سوی یکی از این درختان که بلند و تنومند باشند، پیش رو و این کلام را بخوان به تو ای درخت زیبای مزدا آفریده و مقدس ستایش می‌کنم اشم و هو» (وندیداد، ۱۹، ۱۸-۱۷). دینمرد زرتشتی نیز در زمان اجرای مراسم قربانی و زمزمه نیایش‌های اوستایی، شاخه‌های برسم و لیاف باقی‌مانده از هوم کوبیده‌شده را در دست می‌گرفت و آنها را به قصد استفاده از پاکی و قدرت محافظت‌کننده گیاه و تصدیق این نکته استفاده می‌کرد که اصل هر نوع گوشتی از گیاه است و موبد و جانوران قربانی‌شده از یک اصل و ریشه‌اند (بویس، ۱۳۷۵: ۲۳۳؛ همو، ۱۳۸۹: ۲۷). گیاه برسم بازنمایی و نماینده حضور عنصر اهورایی گیاهان در مراسم دینی و ابزاری برای برپایی جشن ستایش دینی برای آفرینش گیاه بود؛ همچنان که شیر، بازنمایی عنصر جانوری و آب، بازنمایی عنصر آب در مراسم بود (بویس، ۱۳۷۵: ۲۳۳؛ همو، ۱۳۸۹: ۲۷، ۳۶؛ Kanga, 1988: 825-827). در مراسم «آب زوهر» نیز دینمرد زرتشتی با گرفتن شاخه‌های برسم زیر آب، در عمل، بارش باران، بالندگی فرآورده‌های کشاورزی، آبدهی گیاهان، گردآوری محصول و باروری خاک را به گونه‌ای بازنمایی می‌کرد (بویس، ۱۳۷۵: ۲۲۰-۲۱۹؛ Boyce, 2011: 48-50). گذشته از این، در مراسم دینی زرتشتی، وجود برسم، آب، آتش، فلز، میزد

آن یک جفت گیره یا دو پایه کمانی شکل برای نگهداشتن برسم ساخته شده بود. این شاخه برسم را «زورنو تای» یا شاخه آب «ژوهر» یا آب «ژوثر» می‌گفتند. شاخه دیگر برسم را بر نلبکی حاوی جیوام یا آمیخته آب و شیر قرار می‌دادند (Kotwal, Kreyenbroek, 2003: 28.47.48.49; 32.8.9.11). مراسم ویدئودات به ۳۵ شاخه نیاز داشت که ۳۳ شاخه آن را به صورت دسته و دوتای آن را به همان روال مراسم یسنا استفاده می‌کردند. مراسم «یزیشن» یا «یسنای ریشون» در روز اردیبهشت در ماه فروردین به ۱۵ شاخه نیاز داشت. مراسم ویسپرد به ۳۵ شاخه نیاز داشت و مراسم «باج» که برای روان‌های درگذشته برپا می‌شد، ۵ شاخه نیاز بود (Kanga, 1988: 825-827). مراسم ایویانگهن «aiwyānhana»^۱ و درون «Drōn» نیز با هفت شاخه برسم برگزار می‌شد (شایست ناشایست، ۱۳۶۹: ۱۲، ۳؛ Kotwal, Kreyenbroek, 2003: 29.7).

برسم به اندازه‌ای در مراسم دینی زرتشتیان اهمیت داشت که هات دوم اوستا را برسم یشت نامیده‌اند. گواهی‌های بسیاری در دست است که نشان می‌دهد کاربرد این گیاه توسط دینمردان در هنگام برپایی مراسم یسنا و دیگر مراسم دینی زرتشتیان، امری ضروری و حیاتی بود (یسنا، ۲؛ وندیداد، ۱۴، ۸). ضرورت وجود برسم را می‌توان در تقدسی جستجو کرد که دینمردان زرتشتی برای کاربرد آن در مراسمی دینی قائل بودند که زرتشت، شاهان و پهلوانانی چون هوشنگ، جمشید و دیگران برای اهوره‌مزدا، مهر، سروش و دیگر ایزدان برپا می‌کردند (آبان یشت، بندهای ۹، ۱۷، ۱۰۴، ۱۲۷؛ خورشید یشت، بند ۶؛ ماه یشت، بند ۶؛ تیر یشت، بند ۳، ۵۸؛ درواسپ یشت، بند ۶، ۲۵؛ مهریشت، بند ۶، ۹۱، ۱۳۷، ۱۳۸؛ سروش یشت، بند ۵، یشت ۱۰: بند ۱۱۹؛ رام یشت، فقرات ۷) (فقیهی محدث، ۱۳۹۰: ۱۸۵). ایزد سروش نیز نخستین کسی دانسته شده که برسم را به شمار

^۱ - ایویانگهن، کشتی و بندی است که بر میان دسته برسم بسته می‌شود (شایست ناشایست، ۱۳۶۹، ص ۱۹۵).

همو، ۱۳۷۵: ۱۱۲؛ بویس، ۱۳۷۵، ج ۲: ۳۳۸؛ جلالی مقدم، ۱۳۸۴: ۱۱۴-۱۰۱).

در شاهنامه فردوسی نیز به رسم برسم گرفتن ساسانیان پرداخته شده است:

چو خسرو فرود آمد از تخت بار
ابا جامه روم گوهرنگار
خرامید خندان و برخوان نشست
بشد تیز بندوی و برسم بدست

(فردوسی، ۱۳۸۹: ۵۲۸).

در جای دیگر:

بدو گفت شاه آنچه داری بیار
خورش نیز با برسم آید بکار
برسم شتابید و آمد براه
بجایی که بود اندران واژگاه
(فردوسی، ۱۳۹۱: ۱۹۳۰).

برسم همی واژ خواهد گرفت
سزد گر بمانی ازو در شگفت
یکی کهنه چین نهادمش پیش
برو نان کشکین سزاوار خویش

(همان: ۱۹۳۱).

نقش برسم روی نگاره‌های باستانی ایران

مفرغ‌های لرستان

پیش از دوره مادها، در زمان کاسیان برسم روی اشیاء مفرغی لرستان ظاهر می‌شود و روحانیون مادی آن را از هنرمندان لرستان به ارث برده‌اند؛ زیرا تصویر برسم به صورت ابتدایی‌تر روی اشیاء برنزی لرستان به وفور به چشم می‌خورد. در لرستان از یک اشمیت پس از کاوش در گورستان‌ها و تپه‌های متعدد در سال ۱۳۱۷ ه.ش موفق به کشف معبد سرخ‌دم در جلگه کوه‌دشت شد (میرمحمدی تهرانی، ۱۳۸۰: ۲۵). او با این کار توانست تعداد زیادی سنجاق از معبدی مربوط به عصر آهن (هژبری نوبری و سبزی دوآبی، ۱۳۹۰: ۱۷۷) II و III به دست آورد؛ بنابراین با توجه به کشف شدن این سنجاق‌ها در معبد، پس آنها اشیاء نذری بودند که به معبد داده شدند؛ به همین

یا چربی جانور و دینمرد زرتشتی، نماد حضور یکی از امشاسپندان هستند. برسم نماد گیاهان و ایزد امرتات، آب نماد ایزد خوروتات، آتش نماد اردیبهشت، فلز نماد وهومنه، دینمرد نماد اهوره‌مزدا یا سپنته مئینو بودند.

برسم در متون تاریخی

گواهی‌های تاریخی نشان می‌دهند در زمان پادشاهی ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی نیز دینمردان زرتشتی در مراسم نیایش، برسم به دست گرفته، دعا می‌خواندند و سپاسگزار بخشش‌های ایزدی بودند. استرابو در گزارشی از رسم برسم گرفتن ایرانیان آگاهی می‌دهد. او در گزارشی از کاپادوکیه (که در آن زمان جزء قلمرو هخامنشی بود) می‌گوید که «در میان آتشکده محصور، محرابی است که روی آن مقادیر زیادی خاکستر است و مغان، آتش را در آنجا فروزان نگاه می‌دارند. هر روز بدانجا می‌روند و حدود یک ساعت زمزمه می‌کنند. دسته‌ترکه خود را برابر آتش می‌گیرند و به دور سر خود دستارهای / کلاه نمادی بلندی می‌پیچند که روی گونه‌هایشان آویخته‌اند و دهانشان را می‌پوشاند» (استرابو، ۱۳۸۲، کتاب ۱۵، ۳، ۱۵؛ ماری کخ، ۱۳۸۷: ۳۲۷).

در باورهای زروانی، قربانی کردن، اصل مهم و عمده آفرینش اهوره‌مزداست و اهوره‌مزدا نیز با قربانی، آفرینش را رقم می‌زند. گفته می‌شود زروان، پس از آفرینش اهوره‌مزدا، شاخه‌های برسمن یا برسم را که نماد روحانیت و جهان روحانی بود و در نیایش‌هایش به کار می‌برد به اهوره‌مزدا داد و به او گفت تا کنون من برای تو قربانی کرده‌ام و از این به بعد تو برای من قربانی کن. به این ترتیب، زروان با دادن برسم به اهوره‌مزدا، وظیفه قربانی و نیایش را به او واگذار می‌کند و برسم ابزاری کمکی برای قربانی است؛ اما از سوی دیگر، برسم ابزاری است که به دلیل خاصیت روحانی بودن آن، اهوره‌مزدا با کمک آن دست به آفرینش آسمان و زمین می‌زند و اهریمن را نابود می‌کند (زهر، ۱۳۸۴: ۳۵۰-۳۴۹، ۳۵۹).



تصویر ۲. لوحهٔ نقره‌ای از لرستان که تصویر افرادی برسم دست را نشان می‌دهد (گیرشمن، رومن، ۱۳۹۰: ۵۲).

مادها

گوردخمهٔ دکان‌داوود یا کل‌داوود حدوداً در سه کیلومتری شهر کنونی سرپل‌ذهاب و مسیر جادهٔ قدیم ماد که از ری تا بابل ادامه داشته است، در دامنهٔ کوه کل‌داوود قرار دارد. در زیر این مقبره به فاصله ۵ متر، نقش برجستهٔ مغ مادی پیداست که برسمی در دست دارد (تصویر ۳). برسم این مادی پوش احتمالاً از برگ خرما با ترکه‌های به‌هم‌پیوسته درست شده است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۱۲۲؛ هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۰۸؛ سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۷: ۶۷).



تصویر ۳. نقش مغ مادی در پائین گوردخمهٔ دکان‌داوود <http://www.memarblog.com> این امر بر تقدس این مکان دلالت دارد. در این تصویر مردی که لباس مادی به تن دارد، بر سنگ حجاری شده است و در دست چپ خود برسمی دارد که معمولاً از برگ خرما با ترکه‌های به‌هم‌پیوسته درست می‌کردند. مغ

دلیل نقش برسم روی آنها تصادفی نبوده و به احتمال زیاد برای نشان‌دادن کارهای مذهبی بوده است.

در یک سنجاق برنزی که از لرستان به دست آمد و تصویر آن در کتاب هنر ایران در دورهٔ ماد و هخامنشی رومن گیرشمن موجود است، دو مرد (احتمالاً روحانی) دیده می‌شود که هرکدام یک شاخه یا دسته‌ای گیاه به دست دارند و روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند (تصویر ۱). گیرشمن در این باره می‌گوید: اگر فرض شود دو ستاره‌ای که در بالای صفحه نقش شده‌اند، خورشید و زهره‌اند و دو شخصی که برسم در دست گرفته‌اند، دو روحانی‌اند، این تعبیر قانع‌کننده‌تر است. شکل صورت این افراد غیرطبیعی است. آنها صورت‌های بدون چانه و دهان‌های بسیار کوچکی دارند؛ همچنین شکل بینی نیز بسیار عجیب است و همانند خرطوم فیل برگشته و بزرگ است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۵۱). در لوحهٔ نقره‌ای که باز مربوط به هنر لرستان است، نقش تعداد زیادی افراد گیاه به دست دیده می‌شود (تصویر ۲). در وسط لوحه دو نفر دو شاخه را به پسران دوقلوی خدای اولیه نشان داده‌اند (همان: ۵۲). گویا شاخه‌های مفرغ‌های لرستان از برگ درخت (خرما) هستند؛ اما در نمونهٔ مادی از چند ترکه درست شده‌اند؛ به هر صورت شاخه‌های لرستان پیش‌درآمدی برای برسم‌های مادی بودند.



تصویر ۱. نقش برسم روی سنجاق مفرغی لرستان (گیرشمن، رومن، ۱۳۹۰: ۳۷۴).

شاید این اشیاء به معبدی هدیه داده شده‌اند؛ زیرا هریک از آنها نشان‌دهنده نذری برای خدایی است. چوپان‌ها فراوانی گله‌هایشان را خواسته‌اند، زن‌ها درخواست بچه کرده‌اند، کسی که ظرفی هدیه می‌داده کوزه‌گری است که رونق کار خود را خواستار بوده و سرباز نیز پیروزی در جنگ را طلب کرده است. این اشیاء بیشتر به دلیل جنس طلایی‌شان شایان توجه‌اند و از لحاظ هنری چندان ارزشمند نیستند. به احتمال زیاد در کنار معبد، کارگاه‌های کوچکی وجود داشته‌اند که اشیاء مزبور را به نسبت انعامی که به هنرمند می‌دادند، می‌ساختند؛ زیرا اندازه‌های لوحه‌ها متفاوت‌اند و درواقع، ارزش فلز بیشتر از کار هنرمند بوده است (گیرشمن، ۱۳۹۰: ۹۱-۹۰ بویس، ۱۳۷۵، ج ۲: ۵-۲۱۴). در گنجینه سیحون نیز که در سال ۱۸۷۱ در افغانستان کشف شد و بعدها به تملک موزه بریتانیا درآمد، نمونه‌هایی از هنر هخامنشی مانند دو پیکره کوچک متعلق به سده ششم پیدا شد. پیکره نقره‌ای مردی ریشدار را نشان می‌دهد که جامه پارسی بر تن و تاج و سریند دارد و ترکه‌هایی در دست چپ و در روبه‌روی سینه دارد که احتمالاً برسم‌اند. در دست پیکره زرین نیز برسم دیده می‌شود (بویس، ۱۳۷۵، ج ۲: ۷-۳۹۶).

در سرخ‌دم لرستان نیز اشیائی همانند جیحون به دست آمده است و تقریباً معنی و مفهوم نذری بودن اشیاء در هر دو محل دیده می‌شود. اشیاء لرستان نیز نقش مجالسی مانند مجالس گنجینه جیحون دارند و مثل آنها نیایش‌کنندگان دست‌های خود را بلند می‌کنند و ظرفی ارائه می‌دهند. گیرشمن حالت مرد برسم به دست را همان حالت برندگان هدایا در تخت جمشید می‌داند که ظرف‌های فلزی را حمل می‌کنند (همان). افراد برسم به دست، شباهت زیادی به نقش برجسته‌های نمای گوردخمه سکاوند، دکان داود و آتشدان کاپادوکیه دارند (سرفراز و فیروزمندی، ۱۳۸۷: ۷۶).

ب. آتشدان کاپادوکیه

اولین و تنها آتشدان مکعب مستطیل شکل که از جنس سنگ است، از کاپادوکیه (یکی از شهربانی‌نشین‌های

دست خود را به قصد نیایش به طرف بالا نگه داشته است. با توجه به برسم در دست این مرد مادی و لباسی که بر تن دارد، می‌توان آن را با نقش مغ‌های گنجینه جیحون (تصویر ۴) مقایسه کرد که بر صفحاتی از طلا کنده شده‌اند (ملازاده، ۱۳۹۳: ۳۷۴).



تصویر ۴. نقش موبد زرتشتی در زمان هخامنشیان روی پلاک زرین از گنجینه جیحون (محمدپناه، ۱۳۸۶: ۱۴۱). اما درباره تاریخ‌گذاری این گوردخمه اختلاف نظر وجود دارد؛ برای مثال، دیواز با توجه به پوشش مرد منقوش در دکان داود و مقایسه آن با نقوش فرته‌داران فارس که متعلق به دوره سلوکی و اشکانی‌اند، تاریخی بین سال‌های ۲۵۰-۱۵۰ ق.م را برای این گوردخمه تعیین می‌کند (debevoise, 1942: 88).

هخامنشیان

الف. گنجینه جیحون و سیحون

لوحه‌ها و ورقه‌های طلایی زیادی در بین گنجینه جیحون به دست آمده است که روی آنها نقش افراد با قلم کنده شده است و بیشتر آنها برسم به دست دارند. گاهی اوقات علاوه بر برسم گل، نیزه یا ظرفی نیز به چشم می‌خورد (تصویر ۵).



تصویر ۵. پلاک‌های طلایی از گنجینه جیحون
<http://www.up.pnu-club.com>

هخامنشی) در آسیای صغیر به دست آمده که مربوط به دوره ماد یا هخامنشی است (تصویر ۶).



تصویر ۶. نقش روحانی روی آتشدان سنگی کاپادوکیه از دوره ماد و هخامنشی (ملکزاده، ۱۳۵۰: ۲۷).

کناره‌های آتشدان در هر چهار طرف نقش برجسته دارد و در قسمت وسط تصویر روحانی زرتشتی دیده می‌شود؛ در حالی که برسمی در دست راست دارد. مغ‌ها در هر چهار سمت آن به صورت نیم‌رخ نشان داده شده‌اند و پوشاک و مشخصات مغ‌های دوره ماد و هخامنشی را دارند (دونمز و ایروانی‌قدیم، ۱۳۸۶: ۶۲-۶۱). این شخص لباس بلندی پوشیده و ردای بلندی روی دوش انداخته است. این روحانی دست چپ خود را به نشانه احترام و نیایش به سمت جلو و بالا نگه داشته است. ملکزاده آتشدان کاپادوکیه را ادامه آتارهای (قربانگاه) بین‌النهرین می‌داند. او معتقد است در بیشتر ملت‌های باستانی برای اجرای احکام و مراسم دینی به‌ویژه قربانی کردن از این سکوها استفاده می‌شده است (ملکزاده، ۱۳۵۰: ۲۸).

گفته شد در چهار طرف آتشدان تصویر مغ دیده می‌شود؛ اما باید گفت یکی از آنها تفاوت جزئی با بقیه دارد و آن ظرفیست که در دست آن دیده می‌شود. تا کنون چنین ظرفی در دست مغان مادی و هخامنشی دیده نشده است؛ اما با توجه به مطالب کتاب یسنا درباره گیاه هوم، پرندگان الهی این گیاه را که در کوهها از جمله البرز می‌روید، از آسمان آورده‌اند. همچنین با توجه به مطالب

این کتاب محتوای این ظرف گیاه هوم است که برای اجرای مراسم مذهبی به کار می‌رود و در بین مفرغ‌های لرستان نیز چنین ظرفی مشاهده می‌شود (همان: ۲۹).

درباره مادی یا هخامنشی بودن آتشدان کاپادوکیه اجماع نظری وجود ندارد؛ زیرا روی این اثر کتیبه‌ای نوشته نشده و می‌تواند متعلق به هر کدام از این دوره‌ها باشد. سرزمین کاپادوکیه در قرن ششم پیش از میلاد هم‌زمان با دوره آهن جدید یکی از ساتراپی‌های هخامنشی بود؛ کاپادوکیه قبل از آن استیلای حکومت ماد را پذیرفته بود (Baker, 1993: 81-90).

ج. نگاره داسکلین

در نگاره‌ای که در شهربانی‌نشین ایرانی داسکلین در آسیای صغیر کشف شد، دو مغ که برسم به دست دارند در مقابل آتش، کنار هم ایستاده‌اند. به‌وضوح پیداست اینها با باشلق خود جلوی دهان‌شان را پوشانده‌اند تا با نفس خود آتش را نیالایند. متأسفانه قسمت بالای محراب بلند و آتش مقابل آنها تخریب شده است (تصویر ۷) (ماری کخ، ۱۳۸۷: ۳۲۸؛ بویس، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱۶۸، ۴-۲۱۳).



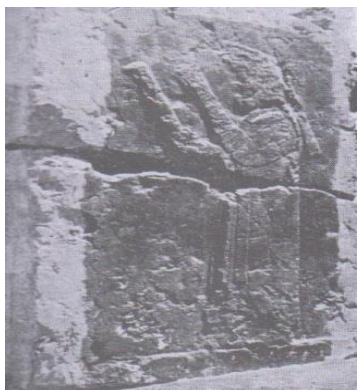
تصویر ۷. مغ‌هایی در حال قربانی، داسکلین (اریگلی) (ماری کخ، ۱۳۸۷: ۳۲۹).

سلوکی و اشکانیان

الف. نمروداغ

مجسمه‌های نمروداغ جای هیچ‌گونه شک و تردیدی نمی‌گذارند که نگاره برجسته و مسلط در آنجا «زنوس - اورمزدوس» است. همان‌گونه که مرسوم بوده است

دیده می‌شود؛ درحالی‌که برسمی در دست دارد. این شاهان عبارت‌اند از: داریوش دوم، اوخاسرس و اردشیر دوم (تصویر ۹) (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۲۹۲؛ بویس، ۱۳۷۵، ج ۲: ۱-۳۳۰؛ بویس، ۱۳۸۹: ۱۱۸؛ سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۷).



تصویر ۹. پرتکه در حال عبادت جهت جنوبی صفت تخت جمشید (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۷: ۸۲).

۵.۵. ساسانیان

الف. نقش رستم تاج‌ستانی اردشیر اول

در این نقش برجسته اردشیر اول و اهوره‌مزدا هر دو سوار بر اسب‌اند. زیر پای هر دو اسب دو دشمن به حالت درازکش دیده می‌شود. پشت سر شاه نیز فردی بادبزن به دست ایستاده است (محمدی‌فر و امینی، ۱۳۹۴: ۲۱۷). اهوره‌مزدا در مقابل شاه ایستاده است که تاج بر سر و شاخه‌های برسم به دست دارد و تاج پادشاهی را به او می‌دهد (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۱۸). این نقش برجسته یکی از بزرگ‌ترین تبلیغات تصویری اردشیر است که در نزدیکی آرامگاه‌های هخامنشیان و در فاصله‌ی نه‌چندان دور از استخر قرار دارد (تصویر ۱۰) (بویس، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

ب. طاق‌بستان تاج‌ستانی اردشیر دوم

در طاق‌بستان نقش برجسته‌ای از تاجگذاری اردشیر دوم در سنگ‌کنده شده که در سمت راست آن اهوره‌مزدا قرار گرفته است و تاج کنگره‌داری بر سر دارد. در این تصویر اهوره‌مزدا روی به طرف شاه می‌گرداند و حلقه شاهی نوآرदार را به وی اعطا می‌کند. پادشاه و خدا ملبس

بزرگ‌ترین مجسمه‌ها را برای نماینده خدای بزرگ می‌ساختند. زئوس - اورمزدوس به صورت مجسمه بزرگی تجسم یافته‌اند که عصا در دست ندارد. دست چپ او روی زانوی چپش قرار دارد و دسته‌ای شیاردار و کوتاه در دست دارد که احتمال می‌رود ترکه یعنی برسم است. همچنین مشخص شده آپولو - میثرا بر تخت نشسته است و خود آنتیوخوس نیز همین را در دست دارد. در این نقش، آپولو - میثرا با دست چپش میان برسمی را گرفته است (تصویر ۸) (بویس و گرت، ۱۳۷۵: ۴۲۵).

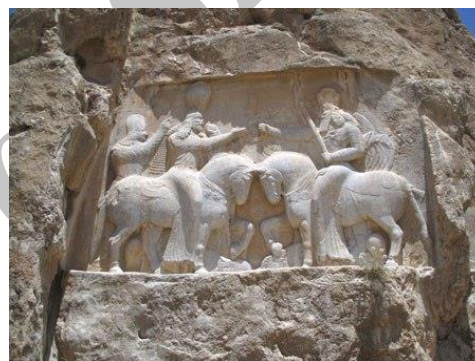


تصویر ۸. نمرود داغ - آنتیوخوس و آپولو - میثرا (گیرشمن، ۱۳۷۰: ۶۷).

ب. پرتکه‌ها

در دوره تسلط یونانیان بر ایران، فرمانروایان محلی در فارس حکومت می‌کردند که زیردست سلوکیان بودند و به صورت حاکمان مستقل سکه ضرب می‌کردند (ویسهوفر، ۱۳۸۶: ۱۲۲). پس از اینکه قوم ایرانی به نام پارت‌ها سلوکیان را بیرون راند، شاهان پارس تابع آنها شدند؛ اما در امور داخلی و مذهبی استقلال داشتند. آثار این تبعیت تا حدودی در سکه‌های گروه سوم شاهان پارس به چشم می‌خورد. تصویر فرمانروا بر سکه‌ها، برخلاف شاهان قبل که به سمت راست می‌نگریستند، مانند شاهان اشکانی به سمت چپ نمایش داده شده است و شکل تاج و لباس و آرایش موی آنها نیز شبیه شاهان اشکانی است. در پشت سکه نیز تغییراتی کلی ایجاد شده است. تصویر فرمانروا در حال عبادت در برابر آتشدان

به قباهایی اند که تا زانو رسیده است. هر دو شلواری به پا دارند که از طرف داخل پا چین خورده و با بندی به میج پا چسبیده است و هریک کمر بند و گردن بند و دست بندهایی دارند. پشت سر شاه نیز موجودی الهی ایستاده است که لباسش تقریباً نظیر لباس اهوره مزداست؛ اما نور زیادی از سر او می درخشد و دسته‌ای از شاخه‌های گیاه مخصوص اعمال مذهبی (برسم) در دست دارد. پارسیان دوران جدید تصور می‌کنند این شکل هاله‌دار نقش زرتشت است؛ اما در حقیقت صورت مهر است. این صورت در دو جای دیگر نیز هست که در کتیبه‌ای به صراحت معرفی شده است (تصویر ۱۱) (هرتسفلد، ۱۳۸۱: ۳۳۳؛ کریستن - سن، ۱۳۸۴: ۲۶۱).



تصویر ۱۰. تاج‌ستانی اردشیر اول از اهوره مزدا در نقش رستم (هرمان، ۱۳۸۷: ۱۰۰).



تصویر ۱۱. تاج‌ستانی اردشیر دوم از اهوره مزدا طاق‌بستان (همان: ۱۰۱).

نتیجه

به‌طور کلی، برسم نمادی مقدس در ایران باستان بود که کاربرد آن در مراسم و مناسک آیینی اهمیت بسیار و پیوند

ناگسستی با نیایش و ستایش ایزدان داشت. گواهی‌های موجود در یشت‌ها و کتاب مقدس اوستا به‌روشنی بر کارایی برسم در مراسم نیایش تأکید کرده‌اند و دینمردان زرتشتی نیز اعتبار و پیشینه‌ای ایزدی و مقدس برای آن قائل بودند. در همین متون از پیوند برسم با ایزدان، شاهان و پهلوانان در گذشته‌های دور، حتی دوره‌های آغازین آفرینش سخن گفته شده است تا هم بر غنای مراسم افزوده شود و هم ایمان پیروان و مؤمنان به دین را به نمادهای آیینی دوچندان شود. زمانی که استرابو عادات مذهبی ایرانیان دوران هخامنشی را توضیح می‌دهد، از نظر تاریخی نیز اهمیت برسم در مراسم دینی دوران هخامنشی را نیز بازتاب می‌دهد. حضور برسم در مکان‌های مقدس و مذهبی مانند معابد (سرخ دم و جیحون)، گوردخمه‌ها و در مراسم تاج‌ستانی پادشاهان جنبه دینی و سیاسی برسم را نیز منعکس می‌کند. شاهان ساسانی با ترسیم تندیس برسم در مراسم تاج‌ستانی، از یک سو، قدرت بخشی اهوره مزدا به شاهان ساسانی را در معنا و مفهومی سیاسی مشروعیت‌یابی به نمایش در می‌آوردند و از سوی دیگر، با استفاده از برسم در مراسم تاج‌ستانی، جایگاه شاه دارنده مقام روحانی از نوع روحانیت اهوره مزدا را نمایش می‌دادند.

به نظر می‌رسد شاخه گیاه حاضر در مفرغ‌های لرستان که احتمالاً متعلق به عصر آهن II و III هستند، نخستین نشانه‌های برسم در تاریخ ایران‌اند که در ابتدا به‌صورت شاخه درخت خرما یا انار پدیدار شدند؛ اما بعدها در گوردخمه دکان داود - که احتمالاً متعلق به دوره مادهاست - نقش برسم بسیار حجیم‌تر شده است و در تحولات بعدی تا پایان دوران ساسانی، به چندین شاخه گیاه یا درخت افزایش یافته است. در گنجینه جیحون (احتمالاً متعلق به دوره هخامنشی)، نقش این شاخه یا گیاه بر پلاک‌های نذری افرادی که جامه روحانی به تن دارند، تحول دیگری از این نماد دینی مقدس را بازتاب می‌دهد. همچنین آتشدان به‌دست‌آمده از کاپادوکیه، که در آن زمان جزء امپراتوری هخامنشی بود، نقش مغی مادی را در چهار

دینی و سیاسی از طرف ایزدان به شاه بود، عملاً برسم را نمادی از قدرت مشروع خود قرار دادند و دین را با سیاست پیوند زدند.

منابع

- ۱- استرابون، (۱۳۸۲)، جغرافیای استرابو، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران، انتشارات بنیاد موقوفات افشار یزدی، چاپ اول.
- ۲- بویس، مری، (۱۳۷۵)، تاریخ کیش زردشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ج ۱، تهران، چاپ دوم.
- ۳- بویس، مری، (۱۳۸۹)، زردشتیان باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، تهران، ققنوس، چاپ پانزدهم.
- ۴- بویس، مری، گرنه، فرانتز، (۱۳۷۵)، تاریخ کیش زردشت پس از اسکندر گجسته، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ج ۳، تهران، انتشارات توس، چاپ اول.
- ۵- بویس، مری، (۱۳۷۵)، هخامنشیان، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، ج ۲، تهران، نشر توس، چاپ اول.
- ۶- پوپ، آرتور، اکرم، فیلیس، (۱۳۸۷)، سیری در هنر ایران، ج ۷، ویرایش زیر نظر سیروس پرهام، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ اول.
- ۷- پورداد، ابراهیم، (۱۳۸۰)، یسنا، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ اول.
- ۸- پورداد، ابراهیم، (۱۳۴۷)، یشت‌ها، ج ۱، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و هنر، چاپ دوم.
- ۹- جلالی‌مقدم، مسعود، (۱۳۸۴)، آئین زروانی: مکتب فلسفی - عرفانی زرتشتی بر مبنای اصالت زمان، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ۱۰- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷)، فرهنگ لغت فارسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۱- دونمز، شوکت، ایروانی قدیم، فرشید، (۱۳۸۶)، «آئین آتش در کاپادوکیه»، ترجمه بهرام آجورلو، مجله پیام باستان‌شناس، شماره هفتم، صص ۶۲-۶۱.
- ۱۲- زرنر، آر. سی، (۱۳۸۴)، طلوع و غروب زردشتی‌گری،

سوی خود دارد که برسم به دست در حال دعا و نیایش است. این سنت در دوره سلوکی و اشکانی، در فارس تداوم یافت؛ جایی که پرتکرارها حکومت می‌کردند، در نقش سنگی نزدیک تخت جمشید که یک روحانی با پنام و برسم دیده می‌شود. همچنین ایزد مهر در تندیس‌های بزرگ آنتیوخوس سوم، آپولو یا مهر، ژئوس در نمروداغ، برسم به دست دیده می‌شود و این نشان‌دهنده تحولی جدید است که این گیاه مقدس که در گذشته در دست مغان و در مراسم نیایش استفاده می‌شد، در این آثار، در دست ایزد بزرگی دیده می‌شود که در سنگ‌نگاره تاج‌ستانی اردشیر دوم در طاق‌بستان نیز باز برسم به دست است. سنگ‌نگاره اردشیر پاپکان در نقش رستم صحنه‌ای را به نمایش می‌گذارد که اهوره‌مزدا پادشاهی و قدرت و مقام روحانیت شاه را به صورت دو نماد حلقه و برسم به بنیانگذار پادشاهی ساسانی می‌بخشد.

بنابراین در رهیافتی تطبیقی موارد اختلاف و اشتراک کاربرد برسم این‌گونه تشریح می‌شود که برسم در تحول و تطور خود از مفرغ‌های لرستان تا سنگ‌نگاره‌های اردشیر پاپکان و طاق‌بستان، به قصد انجام تشریفات و مناسک روحانی در مراسم دینی استفاده می‌شد و این شاخه مقدس ظاهراً در کاربرد نخستین خود تنها در اختیار روحانیون بود که در مراسم ستایش و نیایش خود برای ایزدان از آن به‌عنوان نماد گیاهی آفرینش استفاده می‌کردند. این موضوع حتی پس از تأثیرگرفتن مراسم دینی از باورهای زرتشتی و دینمردان زرتشتی نیز ادامه یافت؛ اما در آخرین مراحل تحول خود، متأثر از سیاست‌های دینی پادشاهی ساسانی و ایدئولوژی شاهانه آن، به نماد قدرت سیاسی و دینی / روحانی شاهان تبدیل شد. به سخن دیگر، شاخه مقدس از مراسم دینی و آیینی به نماد سیاسی و دینی پادشاهی نیرومند تبدیل شد. به نظر می‌رسد شاهان و دینمردان زرتشتی با بازنمایی برسم در دستان ایزدانی چون اهوره‌مزدا و مهر و اعطای آن به شاهان در مراسم به تختنشینی که به منزله اعطای قدرت

- انتشارات سمت، چاپ اول.
- ۲۶- ملکزاده، فرخ، (۱۳۵۰)، «آتشدان از دوران ماد و هخامنشی در کاپادوکیه، آسیای صغیر، بررسی‌های تاریخی»، شماره ۳۱، صص ۱ تا ۳۲.
- ۲۷- میرمحمدی تهرانی، نیلوفر، (۱۳۸۰)، بررسی و طبقه‌بندی مفرغ‌های لرستان (در موزه ایران باستان)، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۲۸- هرتسفلد، ارنست، (۱۳۸۱)، ایران در شرق باستان، برگردان همایون صنعتی‌زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، چاپ اول.
- ۲۹- هرمان، جورجینا، (۱۳۸۷)، تجدید حیات هنر و تمدن در ایران باستان، ترجمه مهرداد وحدتی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم.
- ۳۰- هژبری نوبری، علیرضا، سبزی دوآبی، موسی، (۱۳۹۰)، «سنجاق‌های میله‌ای لرستان»، مجله جامعه‌شناسی تاریخی، دوره ۳، صص ۱۶۵-۱۸۸.
- ۳۱- وندن برگ، لویی، (۱۳۷۹)، باستان‌شناسی ایران باستان، برگردان عیسی بهنام، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول.
- ۳۲- ویسهوفر، یوزف، (۱۳۸۶)، ایران باستان از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۶۵۰ پس از میلاد، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران، انتشارات ققنوس، چاپ نهم.
- 33- Balcer, J. M. (1993). The ancient persian satrapies and satraps in western Anatolia. *Archäologische Mitteilungen aus Iran*, 26, 81-90.
- 34- Boyce, M. (2011.) "ĀB-ZŌHR," *Encyclopedia Iranica*, I/1, pp. 48-50, <http://www.iranicaonline.org/articles/ab-zohr>.
- 35- Debevoise, N. C. (1942). The rock reliefs of ancient Iran. *Journal of Near Eastern Studies*, 1(1), 76-105.
- 36- Kanga, M. F.) 1988), *Barsom*, *Encyclopedia Iranica*, <http://www.iranicaonline.org/articles/ab-zohr>. Vol. III, Fasc. 8, pp. 825-827.
- 37- Kotwal, F. M., & Kreyenbroek, P. G. (2003). The Hērbedestān and Nērangestān. Volume II: The Nērangestān, *Fragard 2. Studia Iranica*, 30.
- ترجمه تیمور قادری، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
- ۱۳- زرنر، آر. سی، (۱۳۷۵)، زروان یا معمای زرتشتی‌گری، ترجمه تیمور قادری، تهران، انتشارات فکر روز، چاپ اول.
- ۱۴- سرفراز، علی‌اکبر و بهمن فیروزمندی، (۱۳۸۷)، باستان‌شناسی و هنر دوران تاریخی (ماد، هخامنشی، اشکانی، ساسانی)، تهران، انتشارات مارلیک، چاپ چهارم.
- ۱۵- شایست ناشایست، (۱۳۶۹)، آوانویسی، ترجمه کتابیون مزداپور، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، چاپ اول.
- ۱۶- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۸۹)، دیوان کامل شاهنامه فردوسی، تهران، ناشر آدینه سبز، چاپ دوم.
- ۱۷- فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۹۱)، شاهنامه، پژمان پورحسین، ناشر تک بوک.
- ۱۸- فقیهی محدث، فریده، (۱۳۹۰)، قربانی در ادیان الهی، ویراستار پروانه عادل‌زاده، تبریز، انتشارات مولی علی، چاپ اول.
- ۱۹- کریستن سن، آرتور امانوئل، (۱۳۸۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی، تهران، دنیای کتاب.
- ۲۰- گیرشمن، رومن، (۱۳۹۰)، هنر ایران در دوران پارتنی و ساسانی، ترجمه بهرام فره‌وشی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
- ۲۱- گیرشمن، رومن، (۱۳۹۰)، هنر ایران در دوران ماد و هخامنشی، ترجمه عیسی بهنام، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
- ۲۲- ماری کخ، هاید، (۱۳۸۷)، از زبان داریوش، ترجمه پرویز رجبی، تهران، نشر کارنگ، چاپ سیزدهم.
- ۲۳- محمدپناه، بهنام، (۱۳۸۶)، کهن دیار (مجموعه آثار ایران باستان در موزه‌های بزرگ جهان)، تهران، انتشارات سیزان، چاپ سوم.
- ۲۴- محمدی‌فر، یعقوب، امینی، فرهاد، (۱۳۹۴)، باستان‌شناسی و هنر ساسانی، تهران، ناشر شاپیکان، چاپ اول.
- ۲۵- ملازاده، کاظم، (۱۳۹۳)، باستان‌شناسی ماد، تهران،